

وضعیت آثار تاریخی شهر اصفهان در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش)

سید مسعود سید بنکدار
استادیار دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: (۹۴/۰۶/۱۸) تاریخ پذیرش: (۹۴/۱۱/۲۸)

A survey of historical monuments of Isfahan during Reza Shah era (1304-1320)

Seyed Masood Seyed Bonakdar

Assistant Professor in Isfahan University

Received: (2015/09/09)

Accepted: (2016/02/17)

Abstract

Having the most valuable historical monuments, Esfahan is one of the most important cities of Iran. This prominent position, regardless of the geographical location of the city, caused Esfahan to be considered as the capital of Iran during the dynasty of Buyid, Seljuks and Safavid. Although in these periods the most valuable and finest architectural monuments were established in Isfahan, unfortunately, the rise and fall of dynasties, wars, conflicts and natural disasters destroyed many of the works. In the Qajar era, many of the remaining relics from the past, especially the Safavid dynasty, were declining and destroying. However, with the inception of Pahlavi era, fundamental activities were started for the preservation and restoration of precious works. The first step was registering the National Heritage monuments. In the next steps, the experts and traditional architectures began to refurbish up the works. During this period, along with returning the endowment of the works, so many actions took to meet some parts of the cost of restoration of monuments in Esfahan.

Despite a little gap, sources have not mentioned this issue independently and no actions have been taken to protect the works from danger. Due to the lack of library resources, the author emphasizes on using local newspapers and historical documents. This research is based on the library method and comparison and analysis of resources, especially main ones. In this study, the essential information will be organized, analyzed and finally derived.

Keywords: Esfahan, historical monuments, Pahlavi I, restoration and reconstruction.

چکیده

شهر تاریخی اصفهان به لحاظ دارا بودن آثار ارزشمند تاریخی یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران است. این موقعیت ممتاز، جدای از موقعیت جغرافیایی شهر، درائر پایتخت شدن اصفهان در دوران سلسله‌های آل بویه، سلجوقیان و صفویه پدید آمده است. در این دوره‌ها ارزشمندترین و فاخرترین آثار معماری این سلسله‌ها در اصفهان ایجاد گردید؛ اما متأسفانه فراز و فرود سلسله‌ها، جنگ و درگیری‌ها و بلایای طبیعی بسیاری از این آثار را نابود کرد. در دوره قاجار نیز بسیاری از آثار به جا مانده از دوران گذشته و، به خصوص دوره صفویه، در حال زوال و نابودی بودند؛ اما با شروع دوره پهلوی اول حرکت‌هایی اساسی برای حفظ و مرمت این آثار صورت گرفت. در نخستین قدم آثار تاریخی شهر ثبت آثار ملی شد و در گام‌های بعدی با استفاده از کارشناسان و معماران سنتی به مرمت این آثار پرداختند. در این دوره با بازگرداندن موقوفات آثار، تلاش‌هایی نیز برای تأمین بخشی از هزینه‌های مرمت بناهای تاریخی شهر صورت گرفت.

با وجود فاصله زمانی اندک در منابع، به طور مستقل، به این موضوع و اقداماتی که برای حفظ این آثار از خطر نابودی صورت گرفته پرداخته نشده است. به علت قلت داده‌های منابع کتابخانه‌ای تأکید نگارنده بر استفاده از روزنامه‌های محلی و اسناد تاریخی بوده است. روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و تطبیق و تحلیل منابع موجود، به خصوص منابع اصلی است. در این تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم به سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل و، سرانجام، استنتاج آنها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، آثار تاریخی، پهلوی اول، مرمت و بازسازی.

مقدمه

شهر اصفهان در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود در چند دوره به عنوان پایتخت برگزیده شد. در دوره آل بویه مدتی پایتخت رکن‌الدوله دیلمی بود و پس از انتقال پایتخت به ری باز هم اصفهان اهمیت خود را حفظ کرد و در دوره حکومت آل کاکویه نیز اصفهان مرکز قدرت آنها بود. پس از ظهور سلاجقه بار دیگر اصفهان در مسیر رشد و ترقی قرار گرفت، ملک‌شاه اصفهان را به پایتختی برگزید. این دوره یکی از اعصار باشکوه این شهر محسوب می‌شود و عمارات باشکوه زیادی در آن ساخته شد. با غلبه خوارزمشاهیان بر سلجوقیان از رونق و آبادی اصفهان کاسته شد. با حمله مغولان و تیمور اصفهان رو به ویرانی نهاد و اما با انتخاب آن به عنوان پایتخت سلسله صفوی از سوی شاه عباس اول، یکی دیگر از دوره‌های طلایی آن آغاز شد و با رشد اقتصادی شهر و ساخته شدن بناهای بسیار با شکوه بار دیگر رونق و آبادانی گذشته خود را به دست آورد.

ولی با حمله افغان‌ها و کشمکش‌ها و درگیری‌های داخلی در دوران افشار و زندیه، اصفهان و، به خصوص بناهای تاریخی آن، آسیب زیادی دید. در دوره قاجار خصوصاً در زمان حکمرانی ظل‌السلطان بسیاری از آنچه که از دوران گذشته اصفهان به یادگار مانده بود، نابود و ویران شد. این شاهزاده مستبد چنان به آثار دوران صفویه لطمه زد که مورخان، دوران حکومت او را یکی از غم‌انگیزترین ادوار تاریخ اصفهان می‌دانند. ظل‌السلطان و خواهرش بانوعظمی به تخریب عمارات باشکوه کاخ آئینه خانه، «جهان نما»، «هفت دست»، «نمکدان» پرداختند و با قطع درختان سر به فلک کشیده چهارباغ از زیبایی آن کاستند. (رجائی، ۱۳۸۶: ۱۷۲-۱۶۹). در دوره او جای قصرها و عمارات صفوی را مزارع خیار و گرمک گرفت (دیولافوا، ۱۳۴۲: ۲۱۳). به نوشته پولاک باغ‌های تاریخی اصفهان، نظیر چهلستون و هزار جریب، در حال زوال و ویرانی بودند و در آنها غله، توتون و سبزی می‌کاشتند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۸).

این اوضاع تا پیروزی انقلاب مشروطه ادامه داشت. پس از مشروطه هم دولت و حکام شهر توان و اراده کافی برای ترمیم و بازسازی عمارات تاریخی نداشتند. فقط

روزنامه‌های شهر سعی کردند با انتشار مقالاتی توجه مردم و خیرین اصفهان را به اهمیت و ارزش آثار تاریخی شهر خود معطوف کند. اما نهایتاً اقدام مؤثری برای تعمیر و بازسازی بناهای تاریخی صورت نگرفت. البته کوشش‌هایی برای جلوگیری از تخریب بیشتر بناها انجام شد. (رجایی، ۱۳۸۵: ۴۸۰-۴۷۱؛ اخگر، ش ۱۳۹: ۱)

در سال‌های پایانی حکومت قاجاریه بناهای تاریخی شهر وضع بسیار اسفناکی پیدا کرده، پاره‌ای از بناها کاملاً از بین رفته بودند و بعضی دیگر نیز دچار خرابی و ویرانی زیادی گردیده بود. بسیاری از کاشی‌های بی‌نظیر مساجد جامع عباسی و شیخ لطف الله فرو ریخته و نقاشی‌های کاخ‌های عالی قاپو و چهلستون در زیر لایه‌هایی از گچ آسیب دیده بودند.

پل‌های تاریخی شهر نیز نیاز به تعمیرات داشت. موقوفاتی که به تعمیر و نگهداری مساجد و مدارس دینی شهر اختصاص داده شده بود وضعیتی آشفته داشتند. (روزنامه باختر، ش ۵۲۲-۵۲۱: ۱). پیرلوتی سیاح فرانسوی که در اواخر دوره قاجار به اصفهان سفر کرد، در مورد خرابی‌های میدان نقش‌جهان می‌نویسد: «وقتی در این بناها که در ابتدا با شکوه به نظر می‌رسد، دقیق شویم ویرانی‌های عجیبی را می‌توان مشاهده کرد. در آن بالا ستون زیبا و بلند کاخ شاه عباس در زیر روپوشی که در حال ویرانی است، کاملاً خم شده و در سمتی که در معرض وزش بادهای زمستانی است، نیمی از کاشی‌ها و میناکاری گنبدها و مناره‌ها ریخته و لکه‌های خاکستری رنگی این آثار با عظمت را فرا گرفته است. ایرانیان با بی‌دقتی و عدم مراقبتی که مخصوص شرقیان است، به این ویرانی‌ها بی‌اعتنا هستند. به علاوه، دیگر تعمیر این بناها غیر ممکن است؛ وقت و پولی که برای تعمیر لازم است در اختیار مردم نیست و اساساً مدتی است که این صنعت کاشی‌کاری از میان رفته و فراموش شده است. بنابراین، دیگر امیدی به تعمیر این بناها نیست و این میدان که در دنیا نظیر ندارد و سیصد سال از عمرش می‌گذرد، تا آخر قرن حاضر باقی نخواهد ماند» (لوتی، ۱۳۷۰: ۱۹۸).

به‌رغم این وضعیت در اواخر دوره قاجار اقدامات محدودی برای تعمیر و مرمت آثار صورت گرفت اما شدت آسیب‌ها و ویرانی‌ها به اندازه‌ای بود که این اقدامات

ثبت رسیدند (گذار، ۱۳۶۸. ۴/ ۳۳۸-۲۴۲؛ روزنامه /خگر، ش ۱۰۰۲: ۳).

گزارش‌هایی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد این توجه بیشتر بر آثار معماری شاخص متمرکز بوده و به حفظ و نوسازی بافت تاریخی شهر چندان توجه نمی‌شده است. روزنامه /خگر گزارش می‌دهد که در سال ۱۳۰۷ش/ ۱۹۲۸م بر اثر خراب شدن طاق چارسو مقصود و کشته شدن چهار نفر، اداره بلدیه اقدام به تخریب طاق‌ها و دیوارهای شکسته و آسیب دیده نمود و در همین راستا طاق یکی از سقاخانه‌ها ویران شد (روزنامه /خگر، شماره ۶۹؛ همان، شماره ۷۱). ادامه این تغییرات که برآمده از روند سریع نوسازی دوره پهلوی اول، به ویژه در تغییر سیمای شهری بود و خطرات آن برای آثار تاریخی شهر باعث شد وزارت داخله با صدور بخش نامه‌هایی از آسیب دیدگی بناهای تاریخی شهر جلوگیری نماید. وزارت داخله در یکی از این بخشنامه‌ها به شهرداری اصفهان تأکید کرد: «نظر به اینکه مطابق ماده ۶ قانون آثار ابنیه قدیمه منهدم کردن و یا وارد نمودن خرابی به آثارهای تاریخی ملی ممنوع است مقتضی است در موقع ترسیم نقشه و احداث خیابان‌های جدید هرگاه عمارت و ابنیه تاریخی در مسیر خیابان واقع می‌شود برای حفاظت و از بین نرفتن آنها نقشه را طوری طرح نمایند که ابنیه مزبور باقی بماند و الا مراتب را قبلاً به وزارتخانه اطلاع دهند تا با جلب نظر وزارت معارف تصمیمی که مقتضی است اتخاذ و دستور داده شود بدون اجازه نباید اقدامی بشود» (ساکما ۲۹۸۰: ۲۹۱۰).

در گام بعدی مسئولان حفاظت از این آثار نیز منصوب شدند. تا پیش از تأسیس دایره باستان شناسی اداره معارف اصفهان، حفاظت و نگهداری از آثار تاریخی داخل شهر به دستور وزارت داخله بر عهده نظمی اصفهان قرار داشت. امنیه مسئول حفظ و نگهداری آثار تاریخی خارج از شهر بود. آثاری که نظمی در سال ۱۳۰۴ش/ ۱۹۲۵م مسئول حفاظت از آنها بود عبارت‌اند از: مدرسه چهارباغ، سی و سه پل، چهلستون، عمارت تیموری، عمارت عالی قاپو، قیصریه، مسجدشاه، مسجد شیخ لطف الله، مسجد جامع، پل خواجه، کلیسای وانک

محدود پاسخ‌گوی رفع مشکلات بناهای تاریخی شهر نبود. برای نمونه رضاخان پیش از پادشاهی در سفرهایش به اصفهان، دستوراتی برای تعمیر آثار تاریخی شهر صادر کرده بود. تعمیرات محدودی هم در مدرسه چهارباغ و منارجنبان صورت گرفت (آگاهی نامه، ۲۵۳۶: ۴۸). همچنین، پیش از این ارکان حرب لشکر جنوب نیز تعمیراتی در کاخ چهلستون انجام داده بودند (رضا پهلوی، بی تا: ۳۳-۴۱)؛ اما چنان که ذکر شد برای رفع این مشکلات نیاز به انجام برنامه‌ای مدون بود. در وهله اول لازم بود برای حفظ این آثار قوانین محکمی تصویب گردد و بر آن اساس مقامات شهری موظف شوند از آثار تاریخی محافظت نمایند.

با توجه به آشفتگی اوضاع سیاسی روند پی‌گیری این گونه امور به کندی پیش می‌رفت. چنانکه از تاریخ شکل‌گیری انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱ ش/ ۱۹۲۲م و تصویب قانون عتیقات در ۱۲ آبان ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰م در مجلس شورای ملی تا تصویب آئین نامه آن در ۲۸ آبان ماه ۱۳۱۱ ش/ ۱۹۳۲م نزدیک به یک دهه گذشت. بر اساس این قانون کلیه آثار و اماکن تاریخی که تا اختتام سلسله زنده احداث شده بود تحت حفاظت و نظارت دولت قرار می‌گرفت (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۴۶؛ شفقی، ۱۳۸۱: ۳۶۲).

یکی از نخستین گام‌هایی که برای حفظ آثار تاریخی شهر اصفهان براساس قانون تدوین شده باید صورت می‌گرفت تهیه آماری دقیق از آثار تاریخی شهر و اولویت بندی و سپس ثبت نمودن آنها در فهرست آثار ملی بود. با اعمال این روند، بسیاری از آثار تاریخی اصفهان بر اساس ضوابطی که در قانون مشخص شده بود شناسایی و در فهرست بناهای تاریخی به ثبت رسید. میدان نقش جهان، مسجد جامع عباسی، مسجد شیخ لطف‌الله، کاخ عالی‌قاپو، کاخ چهلستون، پل‌های الله‌وردی‌خان، پل خواجه، مسجد علی، مسجد ساروتقی، مدرسه و کاروان سرای مادرشاه، مسجد علی، خیابان چهارباغ و تالار اشرف در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱م، بقعه شیخ ابومسعود در ۲۲ آذر ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳م، هارون ولایت در ۲۲ آذرماه ۱۳۱۳ ش/ ۱۹۳۴م و کاخ هشت بهشت در ۲۲ آذر ۱۳۱۳ ش/ ۱۹۳۴م در فهرست بناهای تاریخی کشور به

مسجد شیخ لطف‌الله که رو به ویرانی می‌رفت در برنامه اقدامات ضروری قرار گرفت. هزینه لازم برای مرمت آثار تاریخی شهر اصفهان در ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م تقریباً ۳۵۰ هزار تومان برآورد شده بود. این مبلغ را دکتر فرهمند، مأمور وزارت معارف، تخمین زده بود. (روزنامه/خگر، ش ۲۴).

در ادامه روند تعمیرات، بناهای دیگر داخل شهر اصفهان مانند هارون ولایت و مسجدعلی، مسجد جامع، مقبره و مدرسه باباقاسم، امامزاده اسماعیل، امامزاده جعفر، بابارکن‌الدین، عالی قاپو، مناره‌های ساربان و مسجدعلی و چهل دختران، مسجد حکیم تالار اشرف و باغ قوشخانه، به تدریج، در برنامه تعمیر آثار ملی قرار گرفت و استادان چیره دست بنا و کاشی کار با کسب تعلیمات فنی از اداره کل باستانی دست به کار ساختن و پرداختن آنها شدند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۵۰؛ نوردن، ۲۵۳۶: ۱۱۶؛ نیکزاد، ۱۳۳۸: ۷۰؛ ارژنگ، ش ۱/۲۰).

قسمتی از مهم‌ترین اقداماتی که در اصفهان در جهت حفظ و بازسازی آثار تاریخی شهر صورت گرفت به شرح زیر است:

۱. مدرسه چهارباغ

این مدرسه که بدون شک یکی از زیباترین مدارس اسلامی به شمار می‌رود در اواخر قاجاریه با سرای کناری آن به حالت اسف‌باری درآمده بود. سال‌ها بود چوب بست‌هایی که کنسول روس، گلوینف، به منظور تعمیر کاشی‌های گنبد مدرسه بر آن زده بود همچنان ناتمام برقرار بود (روزنامه/خگر، ش ۱۴۹). موقوفه‌های مدرسه نیز دچار پریشانی و آشفتگی بسیار شده بود. (رمضان، ش ۵ / ۳۲۳). تولید شرعی مدرسه در اوایل دوره پهلوی با سیدالعراقین بود. وی برای بازسازی مدرسه و استرداد موقوفات غصب شده آن تلاش زیادی کرد و بالاخره توانست موقوفه معروف به مرغ ملک را از دست غاصبان آن بیرون بیاورد (روزنامه/خگر، ش ۱۳۸). قسمتی از عواید این موقوفه به مصرف تعمیرات مدرسه رسیده بقیه بین طلاب تقسیم می‌شد.

حاجی محمد کاظم مثقالی یکی از تجار اصفهان نیز قصد داشت بنای بازارچه بلند و کاروانسرای متصل به

(ساگما ۲۹۱۰۰۰۲۸۳؛ ۲۹۲۰۰۵۴۰۵). دایره باستان‌شناسی اداره معارف اصفهان در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م تشکیل شد. سپس با عنوان اداره باستان‌شناسی، تعمیرات و حفظ آثار باستانی را بر عهده گرفت (آگاهی‌نامه، ۲۵۳۵: ۴۸)، از سال ۱۳۱۱ش/۱۹۳۲م به بعد، به ترتیب سیدمحمدتقی مصطفوی، احمد مهران، نصرت اله مشکوتی، جواد مجدزاده صهبا تا سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م ریاست باستان‌شناسی اصفهان را بر عهده داشتند. (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۵۱؛ آگاهی‌نامه، ۲۵۳۵: ۴۹؛ روزنامه/باختر، ش ۵۶۳: ۳).

در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م وزارت معارف و دایره باستان‌شناسی آن برای حفظ آثار تاریخی کشور بر حفظ بخش‌های تاریخی شهر اصفهان و ممنوعیت حفاری‌های غیرمجاز در این قسمت‌ها تأکید کرد (روزنامه/خگر، ش ۳۴۳). برای انجام این وظایف حکام محل و دوایر امنیه و نیز موظف بودند ضمن حفاظت و حراست از آثار، در برخورد با متخلفین اداره معارف را یاری نمایند (روزنامه/خگر، ش ۱۰۳۴).

مهم‌ترین کاری که در گام نخست پیش روی مسئولان باستان‌شناسی شهر قرار داشت حفظ بناها و در قدم بعدی مرمت آنها بود. انجام این اقدامات نیازمند منابع مالی جهت تأمین هزینه‌های مرمت آثار بود. از آنجا که منابع مالی دولت در آن تاریخ محدود بود انجام امور مرمتی آثار نیز با مشکلات اساسی همراه بود. در طی این سال‌ها بیشتر منابع مالی وقف شده برای این آثار حفظ و تعمیرات چپاول شده بود؛ بنابراین، لازم بود مدیران اداره باستان‌شناسی، علاوه بر حفظ و احیای آثار، در تعامل با مسئولان شهر، به ویژه مدیران اداره معارف و اوقاف و دادگستری، به اقداماتی اساسی برای بازپس‌گیری موقوفات مساجد، مدارس، تکایا، امامزاده‌ها و کاروانسراهای تاریخی شهر بپردازند.

اولین گام‌ها برای اجرای تعمیرات آثار تاریخی اصفهان اقدامات مختصری در منارجنبان، در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م و مسجد شیخ لطف‌الله و میدان‌شاه، در سال ۱۳۰۷ش/۱۹۲۸م بود (ساگما، ۲۹۱۰۰۵۱۳؛ ۲۴۰۰۰۶۱۳۷). اما تعمیرات اساسی آثار تاریخی اصفهان ۱۳۱۱ش/۱۹۳۲م با تعمیر شکست بزرگ ایوان مسجدشاه آغاز شد و سپس تعمیر اطراف میدان نقش جهان و گنبد

پوشش خارجی قبه گنبد نیز کلاً بازسازی شد و کتیبه بزرگ گردن گنبد - که جز نام نویسنده آن «کتیبه عبدالرحیم فی ۱۱۲۲» چیزی باقی نمانده بود و از بقیه آن کسی اطلاع نداشت - با استفاده از قطعه قدیمی بازسازی شد و البته فقط جمله پایانی آن با متن کتیبه قبلی مطابقت می کرد (گذار، ۱۳۶۸: ۳۳۲-۳۳۱). بام‌های مدرسه، سنگ فرش حیاط، درهای حجرات و نقاشی آن نیز تا اوایل سال ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م با صرف مبلغ ۴۳۶۶۶ ریال تعمیر شد. (سالنامه معارف، ۱۳۱۴-۱۳۱۳: ۹۹؛ رفیعی، ۱۳۵۲: ۴۵۵)

۲. مسجد جامع

مسجد جامع نیز همانند دیگر بناهای تاریخی شهر وضعیت بسیار نامطلوبی پیدا کرده بود. بام‌های وسیع مسجد در نتیجه اهمال و بی‌اعتنایی متصدیان به حالت خاک پوسیده درآمده بود و آب باران و برف از هر طرف سقف‌ها بر روی در و دیوار شیستان و محراب و سایر قسمت‌های آن نفوذ می کرد. به همین سبب اولین گام، تعمیر بام‌های مسجد بود. مصطفوی نماینده اداره عتیقات در این تعمیرات کوشش فراوان کرد. در مراحل بعدی غرفه‌ها و دیوارهای مسجد بازسازی شد. کاشی‌ها به سر جای خود محکم گردید و بعضی قسمت‌ها که نیاز به محکم کاری داشت کلاف‌بندی گردید. همچنین برای حفاظت بیشتر از مسجد و حفظ نظافت آن کلیه درهای مسجد، به جز در اصلی و در علامه مجلسی، بسته شد. (سالنامه معارف، ۱۳۱۴-۱۳۱۳: ۹۸-۹۷؛ روزنامه /خگر، ش ۱۰۴۱). از مهم‌ترین بخش‌های مسجد که زودتر از قسمت‌های دیگر مورد بازسازی قرار گرفت محراب گچی سلطان اولجاتیو بود (هاکس، ۱۳۶۸: ۵۳).

در این سال‌ها اقامه نماز در مسجد جامع برقرار بود و اهالی می‌توانستند در مسجد به اقامه نماز بپردازند اما متصدیان و مستحفظین مسجد می‌بایست مراقبت می‌کردند که به کاشی‌ها و آثار تاریخی مسجد لطمه‌ای وارد نگردد.

۳. تالار اشرف

یکی دیگر از اقدامات ارزشمندی که در این دوره انجام شد

آن را تصرف نماید. استناد وی برای انجام این تصرف غیر قانونی، به فرمانی از دوره قاجار بود که در آن وی، به عنوان بخشی از خالصه‌جات، این بناها را از دولت وقت خریداری کرده بود. او قصد داشت نهایتاً این آثار را به نام خود ثبت و تصرف نماید. البته سیدالعراقین، متولی مدرسه نیز به شدت به این اقدامات اعتراض می‌کرد (ساکما ۲۴۰۰۱۱۵۲۱؛ روزنامه /خگر، ش ۱۳۸ ۱۵۷ /۱؛ سیف پور، ۱۳۷۸: ۶۷۳). سرانجام بر اثر پیگیری‌های متولی مدرسه و همکاری مدیر وقت اوقاف اصفهان و با اقامه دعوی علیه مثقالی در سال ۱۳۱۱ ش/۱۹۳۲م، پس از سال‌ها پی‌گیری، عدلیه اصفهان حکم به موقوفه بودن این بازار برای مدرسه چهارباغ داد (روزنامه /خگر، ش ۱۳۸، ۱۵۷؛ ۸۵۸).

پس از فوت سیدالعراقین بازماندگان او که سمتی در مدرسه داشتند رویه نیکوی او را ادامه ندادند (روزنامه /خگر، ش ۱۰۳۰). وی خواستند دو مرتبه مدرسه را به وضع رقت بار گذشته بازگردانند. به همین خاطر اداره معارف اصفهان مستقیماً در امور مدرسه دخالت کرد و متولی را خلع و مجدداً از اردیبهشت ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م به تعمیر مدرسه همت گمارد. کاشی‌ها و ساختمان مدرسه آنقدر آسیب دیده بود که متولی مسجد به پیرلوتی گفته بود «مدتی است من فرزند خود را از دویدن منع کرده‌ام تا بنا تکان نخورد، ولی هر روز صدای فرو افتادن کاشی‌ها را می‌شنوم». (لوتی، ۱۳۷۰: ۲۱۴). وی در توصیف مدرسه نوشت که گنبد شکاف خورده و قسمت بالای مناره‌ها فروریخته است. روپوش مینایی آنها در چند جا ریزش کرده و آجرهایی خاکستری رنگ و سوراخ‌ها آشکار شده و از درون شکاف‌ها علف و گیاه خودرو بیرون آمده است (لوتی، ۱۳۷۰: ۲۱۲).

بنابراین تعمیرات مسجد نیاز به کاری اساسی داشت. به همین منظور اطراف مناره‌های مدرسه چوب بست شد و کاشی‌های آن که به مرور زمان از بین رفته بود مجدداً قالب‌گیری و در محل خود نصب گردید. کاشی‌های کتیبه سردرب، کاشی‌کاری گلدسته‌ها، کاشی‌های دالان ورودی همه جمع و پس از رفع نقص دوباره در جای خود نصب شد. (سالنامه معارف، ۱۳۱۴-۱۳۱۳: ۹۹؛ /خگر، ش ۱۰۴۱، ۱۱۵۶).

تعمیرات تالار اشرف بود. این تالار که از بناهای دوره صفویه بود به مانند سایر آثار اصفهان از تعرضات ظل السلطان و بانوعظمی مصون نماند. بخشی از این تالار به دستور بانوعظمی تخریب شد و بخش‌هایی که نیز باقی مانده بود طلا اندازی‌ها و نقاشی‌های دیوارهایش در زیر لایه‌هایی از گچ پنهان شدند (جابری، ۱۳۷۸: ۲۴۴). در جریان مرمت تالار اشرف در سال ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹م، در تاریخ ۲۱ شهریور همان سال، استادان مرمت‌گر با گمانه زنی بخش‌های مختلف تالار موفق به آشکار نمودن تزئینات اصلی بنا از زیر لایه‌های گچ شدند (روزنامه/خگر، ۱۸۰، ۲۰۲، ۲۵۵). پس از پایان این تعمیرات اداره معارف به تالار اشرف انتقال یافت (روزنامه/خگر، ش ۸۴۵).

۴. پل‌های تاریخی شهر اصفهان

هم‌زمان با پایتختی اصفهان در دوره شاه عباس اول و گسترش شهر، ضرورت ایجاد راه‌های ارتباطی تازه بیش از گذشته احساس گردید و شاهان صفوی برای ارتباط بین بخش‌های جدید شهر مانند محله جلفا در جنوب زاینده رود با مرکز و بخش‌های قدیمی شهر در حاشیه شمالی زاینده رود پل‌های سی و سه پل، خواجه و جویی را ایجاد نمودند.

از آنجا که این پل‌ها راه‌های اصلی ارتباطی بین دو بخش شهر بودند در وضعیتی متفاوت با سایر آثار تاریخی شهر قرار داشتند و چندین بار در دوره قاجار مرمت گردیدند (رجائی، ۱۳۸۳: ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۰۴). اما از آنجا که هنوز بر روی رودخانه، سدی برای تنظیم و تعدیل آب ورودی زاینده‌رود ایجاد نشده بود هر چند وقت طغیان رودخانه آسیب‌هایی را به پل‌های تاریخی وارد می‌ساخت. افزون بر آن، تجاوزاتی که توسط افراد سودجو به حریم رودخانه وارد شده بود فشار مخرب آب را بر ورودی‌های پل‌های تاریخی شهر دوچندان میکرد. در اواخر دوره قاجاریه در مطبوعات اصفهان مطالبی درباب لزوم حفظ پل‌های تاریخی و مقابله با افرادی که به حریم رودخانه تجاوز کرده بودند منتشر می‌شد، در ۱۳۰۰ ش / ۱۹۲۱م پل خواجه به اهتمام کمیسیون نواقلی تعمیر شد (روزنامه صبح/صید، ش ۱۹، ۲۲، ۲۵).

در دوره پهلوی اول بارها پل‌های خواجه، سی و سه پل، جویی، مارنان و شهرستان را همکاری خیرین شهری تعمیر کردند اما مهم‌ترین عاملی که در این زمان باعث تخریب پل‌ها و بی اثر شدن تعمیرات می شد مساله عبور وسایط نقلیه سنگین از روی این پل‌ها بود. با آنکه در این زمان وسایط نقلیه جدید وارد شبکه ارتباطی کشور و فضای شهر اصفهان شده بودند اما مسیر و راه‌های شهری با این وسایط متناسب نبودند. شاخص‌ترین نمود این مشکل، در آسیب دیدگی پل‌های تاریخی اصفهان آشکار می‌گردید. پل‌های مزبور به واسطه قدمت و نوع بنا، تحمل بار فشاری را که وسایط نقلیه جدید بر آنان وارد می‌کردند نداشتند. این پل‌ها چندین بار مرمت شدند اما باز هم با عبور وسایط نقلیه سنگین دچار شکست می‌شدند افزون بر آسبایی که از عبور این وسایط به پل‌ها وارد می‌شد سیلاب‌های فصلی رودخانه نیز مزید بر علت بود. روزنامه/خگر در مقاله‌ای با عنوان «ابنیه تاریخی اصفهان از پیشگاه آقای وزیر معظم معارف استعائه می‌نمایند» در مورد پل‌های تاریخی شهر نوشت: «روزی که این پل‌های زیبا را می‌ساختند، هرگز فکر نمی‌کردند در آینده روزی می‌آید که روزانه چندین اتومبیل چند تنی از روی آنها عبور خواهند کرد و، در نتیجه، باعث خرابی آنها خواهد شد. ولی امروز که ما این مطلب را می‌فهمیم و بالعیان و با چشم خویش می‌بینیم، در این صورت باید انصاف داد که فوق بی‌انصافی و از کمال بی‌علاقگی است که ما برای حفظ این آثار بی نظیر کاری نمی‌کنیم و طرحی نمی‌ریزیم و نمی‌گذاریم که پل‌های سه‌گانه مزبور مثل پل‌های زیبای جویی و شهرستان رهسپار وادی نیستی و فنا نشوند» (روزنامه خگر، ش ۱۰۲۵).

مسئولان شهری برای رفع این مشکل به چند اقدام گوناگون پرداختند که البته این راه حل‌ها موقتی بودند. برای نمونه در ۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۱م تصمیم گرفته شد وسایط نقلیه سنگین مانند کامیون و اتوبوس تنها از روی پل مارنان عبور نمایند و پل خواجه و سی و سه پل تنها به عبور افراد پیاده و درشکه اختصاص پیدا کند (روزنامه/خگر، ش ۷۲۵ ش ۸۹۹). عبور وسایط نقلیه سنگین از روی پل مارنان باعث وارد آمدن لطمات جدی به

پل های تاریخی شهر، باید یک پل مدرن و مستحکم ایجاد نمایند. بدین منظور از سوی وزارت داخله مسیو نیمکر برای تعیین محل پل و برآورد هزینه های آن راهی اصفهان شد (روزنامه /خگر، ش ۸۹۵). پس از تحقیقاتی که صورت گرفت بهترین محل برای احداث پل موازی خیابان شاهپور به سمت جلفا تعیین گردید و هزینه ساخت آن نیز در حدود صد هزار تومان برآورد شد (روزنامه /خگر، ش ۸۹۸). اما، به سبب مشکلات مالی تا سال ۱۳۳۸ ش ۱۹۵۹م اقدامی برای ساخت این پل انجام نگرفت و کماکان پل های تاریخی شهر به رغم تعمیرات مکرری که انجام می گرفت دچار آسیب می شدند.

چشمه های این پل شد و قانون منع عبور و مرور ماشین های سبک نیز به طور کامل و جدی اجرا نمی گردید. برای نمونه در سال ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م عبور درشکه و اتومبیل سواری از سوی اداره بلدیه آزاد و یک سال بعد، باز هم از سوی وزارت داخله دستور ممنوعیت کلیه وسایل نقلیه از کامیون گرفته تا درشکه اعلام گردید (روزنامه /خگر، ش ۹۰۳، ۹۰۴). وزارت داخله همچنین دستور داد در فصل تابستان که آب رودخانه کاهش می یافت با تسطیح بخشی از کف رودخانه، در مسیر خیابان شاهپور و جلفا وسایل نقلیه از آنجا عبور نمایند (روزنامه /خگر، ش ۱۰۷۳). مسئولان شهری متوجه شده بودند که برای حفظ

جدول ۱. جدول تعمیرات پل های تاریخی شهر اصفهان

تاریخ تعمیرات	نام پل ها	بانی تعمیرات	منبع
ش ۱۳۰۸	مارنان، خواجه، سی و سه پل	طرف اداره فواید عامه	روزنامه خگر، ش ۱۹۹ همان، ش ۲۲۶
ش ۱۳۱۰	مارنان	اداره بلدیه و طرق	روزنامه خگر، ش ۷۲۵
ش ۱۳۱۲	سی و سه پل	اداره بلدیه	روزنامه خگر، ش ۶۰۰
ش ۱۳۱۳	سی و سه پل، خواجه	اداره بلدیه	روزنامه خگر، ش ۹۶۱
ش ۱۳۱۳	سنگ فرش نمودن پل خواجه	اداره بلدیه	روزنامه خگر، ش ۹۷۸
ش ۱۳۱۴	پل شهرستان	محمد کازرونی	روزنامه خگر، ش ۱۰۸۲
ش ۱۳۱۵	نصب کتیبه های کاشی پل خواجه	اداره شهرداری	روزنامه خگر، ش ۱۱۸۷
ش ۱۳۲۰	تعمیر پل مارنان برای رفع آسیب های وارده از فشار کامیون های بارکش	اداره شهرداری	روزنامه خگر، ش ۱۶۴۴

۵. کاخ چهلستون

سپهری رضاخان ادامه داشت. در این زمان کاخ چهلستون به نیروهای نظامی واگذار شد و ارکان حرب لشکر جنوب تعمیراتی در کاخ چهلستون انجام داد (رضا پهلوی، بی تا: ۳۳-۴۱). در این راستا به دستور سرلشکر محمدحسین-فیروز، رئیس ستاد لشکر اصفهان نرده هایی در اطراف باغ چهلستون احداث گردید (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۴۲). پس از آن برای حفاظت بهتر کاخ، با دستور پهلوی اول، از سوی وزارت داخله مقرر گردید عمارت و باغ چهلستون توسط اداره ساخلو تخلیه و تحویل بلدیه شود. بلدیه نیز موظف گردید در راه حفاظت بهتر از کاخ و باغ آن اقداماتی انجام

کاخ چهلستون و باغ آن در دوره قاجار به عنوان ساختمانی دولتی، به خصوص در تشریفات دولتی، مورد استفاده قرار می گرفت، طبق توصیفات سفرنامه های اروپایی وضعیت کاخ تا قبل از آغاز اقدامات مخربانه ظل-السلطان در موقعیت مناسبی قرار داشت (بروگش، ۱۳۸۹: ۳۷۴، ۳۷۵؛ رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۳۵۳). پس از آن بود که نقاشی ها و تزئینات کاخ آسیب های جدی دید و درها و پنجره های نفیس خاتم کاری شده قصر به تاراج رفت. جالب اینجاست که این وضعیت نامناسب تا دوران سردار

بروند به چهلستون انتقال می‌دادند. یکی از مهم‌ترین این آثار، سر درکاشیکاری شده مسجد قطبیه بود که تحت نظارت صهبا، نماینده اداره باستان‌شناسی، به باغ چهلستون انتقال یافت و در آنجا نصب شد (همان: ش ۱۵۶۰، ۱۶۹۰).

۶. کاخ عالی قاپو

کاخ عالی‌قاپو یکی از زیباترین کاخ‌های دوره صفویه است و موقعیت ممتازی در میدان نقش‌جهان دارد. در دوره قاجار با آنکه در ۱۲۷۴ ق/ ۱۸۵۷ م، در دوره ناصرالدین شاه تعمیراتی در آن انجام داده بودند، به مرور بخش‌هایی از کاخ، به خصوص نقاشی‌های، آن آسیب وارد شده در و پنجره‌های نفیس آن به تاراج رفته بود. در اوایل دوره پهلوی اول از آنجا که این کاخ به بلدیۀ اصفهان تحویل داده شده بود تا سال ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰ م اداره بلدیۀ در این بنا مستقر بود. در این سال با رفتن اداره بلدیۀ از عالی‌قاپو، کتابخانه عمومی شهر به عالی‌قاپو انتقال یافت (همان، ش ۳۸۲). از آنجا که این نقل و انتقالات به صورت دقیق و برنامه‌ریزی شده عملی نمی‌گردید، یک سال بعد از آن در خرداد ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱ م، کتابخانه عمومی به خیابان چهارباغ منتقل شد (همان: ش ۵۸۸). در سال بعد ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳ م، قسمتی از کاخ عالی‌قاپو به تشخیص بلدیۀ اصفهان، به انبار مصرفی گندم شهر اختصاص یافت. (همان: ش ۸۸۶). تا اینکه نهایتاً در ۱۳۱۶ ش/ ۱۹۳۷ م، کاخ عالی‌قاپو از سوی شهرداری اصفهان تحویل اداره معارف گردید. پس از تغییر و تحولات، صهبا به سمت نماینده باستان‌شناسی اداره معارف مشغول تعمیرات عالی‌قاپو شد (همان، ش ۱۲۸۶).

۷. مسجد جامع عباسی (مسجد شاه)

مسجد جامع‌عباسی، یا به اصطلاح متداول آن روز، مسجد

دهد (روزنامه اخگر، شماره: ۵۶۶؛ همان، شماره ۶۲۴). مدتی بعد در سال ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱ م از سوی حکمران اصفهان به وزارت داخله پیشنهاد گردید تا عمارت چهلستون را به موزه بلدیۀ تبدیل و آثار و اشیاء ارزشمند مربوط به شهر اصفهان را در این موزه نگهداری کنند. با تصویب این پیشنهاد در وزارت داخله قرار شد که موزه تحت نظارت گذار ایجاد گردد (روزنامه/خگر، ش ۷۲۴؛ ساکما، ۲۹۱۰۰۰۹۷۷). البته پیش از این نمایشگاهی در سال ۱۳۰۸ ش/ ۱۹۲۹ م از آثار عتیقه به کوشش اداره معارف، در عمارت چهلستون برگزار شده بود (ساکما، ۲۹۰۰۰۷۷۹۱).

در اولین گام برای ساماندهی وضعیت چهلستون، حکمران اصفهان به بلدیۀ دستور داد تا باغ چهلستون را مرتب و باغچه‌بندی‌های ایجاد شده را گلکاری کند. (روزنامه/خگر، ش ۷۲۵). اما تا سال ۱۳۱۵ ش/ ۱۹۳۶ م عملاً گامی برای مرمت کاخ چهلستون و ایجاد موزه برداشته نشد. در شهریور ۱۳۱۵ ش/ ۱۹۳۶ م مبلغ ده هزار ریال برای تعمیر ساختمان کاخ در نظر گرفته شد (همان: ش ۱۱۶۷). بلدیۀ اصفهان تعمیرات را از آذر ماه همان سال تحت نظر مشکاتی نماینده اداره عتیقات آغاز کرد. در این تعمیرات علاوه بر مرمت آزاره‌های سنگی اطراف دیوارها و پل‌های سنگی اطراف عمارت، آب روهای بام را نیز مرمت و آجر فرش و بندکشی کردند. همچنین، نقاشی‌های ایوان‌ها و درهای چوبی بنا مرمت شدند (همان: ش ۱۱۹۰). در همین سال مقرر شد که بلدیۀ اصفهان دو قصر عالی‌قاپو و چهلستون را تحویل اداره معارف بدهد (همان: ش ۱۱۶۵).

با آنکه بخش‌های زیادی از کاخ مرمت گردید اما هنوز اقدامات کافی برای ایجاد موزه‌ای که سال‌های قبل به تصویب رسیده بود، انجام نشده بود. در این سال‌ها آثاری را که احتمال داشت در محل اصلی خود از بین

اصفهان برای اصلاح امور مسجد دست به کار شد. *روزنامه /خگر* در چند شماره مطالبی را در باب تصرفاتی که نسبت به موقوفات مسجد شاه انجام شد، منتشر کرد. یکی از این موقوفات که جریان تصرف آن به طور مشروح در این روزنامه منتشر شده بود، موقوفه قریه سلوان بود. این موقوفه شامل ۱۶ حبه از قریه سلوان بلوک لنجان بود که بر اثر بی‌تدبیری میرزا علی‌نامی، متصدی موقوفات مسجد شاه، از سوی شاهزاده غلام حسین میرزا مسعود تصرف گردید (*روزنامه /خگر*، ش ۲۱). در مهر ماه ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰م اداره معارف با همکاری اداره اوقاف اصفهان، ابتدا میرزا علی، متولی مسجد را برکنار و سید یحیی ستوده، معلم مدرسه حکمت را جایگزین وی کرد. به منظور حفاظت بهتر مسجد اداره نظمیہ مأمور حفاظت از مسجد شد. در همین راستا و برای جلوگیری از سرقت کاشی‌های مسجد معابر خانه‌هایی را که به مسجد راه داشتند مسدود نمودند. درهای اضافی مسجد را بسته و فقط در موقع نماز باز می‌کردند. در نهایت نیز از محل عواید مسجد یک نفر کاشی‌تراش را برای تعمیر کاشی‌های سر در مسجد استخدام کردند. (*روزنامه /خگر*، ش ۴۳۵).

به‌رغم اقدامات ابتدایی که برای تعمیرات مسجد برداشته شده بود هنوز بخش‌های وسیعی از مسجد نیاز به تعمیرات اساسی داشت. زمانی انجام این تعمیرات محسوس‌تر شد که در عصر روز ۱۳ بهمن ۱۳۱۰ ش ۱۹۳۱م، به طور ناگهانی، بخشی از ایوان مسجد شاه با صدایی مهیب شکست برداشت و موجب وحشت مردم حاضر در مسجد شد. گفته می‌شد علت اصلی بروز اولیه این شکست، وقوع زلزله‌ای در دوره محمدشاه قاجار بود. این شکست که در ابتدا به صورت شکاف مختصری ظاهر شده بود، به مرور زمان، و در اثر نفوذ آب باران و یخ بستن آب و، البته، بی‌توجهی متولیان مسجد گسترش یافته بود و، در نهایت، موجب بروز خرابی و شکاف‌های وسیعی در

شاه یکی از زیباترین و فاخرترین مساجد دوران صفویه در ایران است ولی در اثر بی‌توجهی‌هایی که پس از دوران صفویه و، به خصوص، در دوران قاجار نسبت به آثار تاریخی شهر اصفهان انجام گرفت دچار آسیب‌های جدی شد. پیرلوتی در مورد خرابی‌های این مسجد می‌نویسد: «هر قدر جلوتر می‌رویم بیشتر متوجه می‌شویم که مناره‌ها، گنبد عبادتگاه وسیع و اشیاء دورتر که در پشت صحن مسجد و ایوان مسجد در جایگاهی مقدس قرار گرفته، ویران و در حال اضمحلال و نابودی است» (لوتی، ۱۳۷۰: ۱۹۹). جکسن نیز مسجد شاه را پرستشگاهی دلپذیر معرفی نمود که رو به ویرانی بود (جکسن، ۱۳۶۹: ۳۱۲).

این وضعیت نامناسب تا اوایل دوره پهلوی اول همچنان ادامه داشت. نویسنده *روزنامه /خگر* در مطلبی انتقادی از ریاست اداره معارف خواسته بود به دیدار مسجد شاه رفته و در جهت تعمیر شکستگی‌ها و فروریختگی‌های کاشی‌های مسجد اقدامی انجام دهد (*روزنامه /خگر*، ش ۱۷۳).

بخش اعظم مشکلاتی که در تعمیرات مسجد وجود داشت ناشی از سوء مدیریت و فقدان منابع مالی برای تأمین هزینه‌های مرمت مسجد بود. با آنکه بانیان مسجد از همان سال‌های اولیه بنای مسجد پیش‌بینی‌های لازم را برای تأمین این‌گونه هزینه‌ها با تخصیص موقوفاتی کرده بودند با این وجود در طی این سال‌ها بر اثر بی‌تدبیری متولیان وقت، بخش زیادی از این موقوفات تصرف شده و از آنچه باقی مانده بود جهت تعمیرات مسجد استفاده نشده بود. در کنار این سوء مدیریت‌ها افراد سودجو نیز فرصت را غنیمت شمرده با سرقت کاشی‌های ارزشمند مسجد دست به تخریب بیشتر آن می‌زدند (*روزنامه /خگر*، ش ۱۰؛ *مجله ارمغان*، ش ۵/۳۲۳).

در پی انتقادات گسترده‌ای که از وضعیت بد مسجد و موقوفات آن در روزنامه‌ها منتشر می‌شد اداره معارف

ایوان مسجد و بخش زیادی از کاشی‌ها و آجرهای آن فرو ریخت (روزنامه/خگر، ش ۷۱۷؛ گدار، ۱۳۶۸: ۲۹۴).

پس از وقوع این حادثه جلالی، حکمران اصفهان، از طریق اداره معارف گزارشی در مورد لزوم تعمیرات مسجد تهیه کرد. براساس گفته‌های معماران محلی اصفهان تعمیرات ایوان نیاز به برداشتن طاق ایوان و هزینه‌ای حداقل معادل ۳۵۷۲۰ تومان داشت (روزنامه/خگر؛ ش ۷۱۷).

پس از ارسال گزارش حکمران اصفهان به وزارت معارف، این وزارتخانه در اسفندماه همان سال گدار را برای بررسی وضعیت مسجد شاه به اصفهان اعزام کرد. وی پس از بررسی شکاف پدیدآمده در ایوان مسجد توصیه کرد به جای برچیدن طاق ایوان شکاف را با نوعی مواد مخصوص که حالت انعطافی داشته باشد پرکنند (روزنامه/خگر، ش ۷۲۵). اداره معارف در ۱۳۱۱ش/۱۹۳۲م، پس از مکاتبه با تهران و متوجه ساختن اولیای امور، بالاخره موفق شد اعتبار کافی برای مرمت و اصلاح این بنای عظیم را تأمین کند و از وجوه خیریه‌ای که در تهران تهیه شده بود، در سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۱۱ش/۱۹۳۴-۱۹۳۳م، مبلغ ۱۱۰ هزار ریال به‌وسیله ادارات معارف و شهرداری و مالیه برای تعمیرات ضروری اختصاص داده شد. با این وجوه کتیبه مقابل ایوان به واسطه کلاف‌های آهنی به محل اصلی خود متصل شد و هیچ‌گونه اثری از شکست آن باقی نماند (سالنامه معارف، ۱۳۱۴-۱۳۱۳: ۹۵-۹۴). در جریان این تعمیرات ابتدا کاشیکاری‌های روی ایوان را شماره‌گذاری کرده، مرمت کردند. سپس دو مناره را از بالا به یکدیگر بسته بکسل کردند تا از انحراف بیشتر مناره‌ها جلوگیری نمایند. با قرار دادن تیرهای آهن در سمت راست و چپ، لنگه طاق را کلاف‌کشی کرده، کاشی‌ها را نیز با همان طرح و رنگ و نقش در کارگاهی که در محل دائر شده بود ساخته و نصب نمودند. به این ترتیب، ایوان

جنوبی و گلدسته‌های مسجد از نابودی نجات یافت. پس از پایان کار تعمیرات ایوان جنوبی با استحکام بخشی پایه‌ها و شالوده گنبد شرقی اقدام به تعمیر ترک‌های آن کردند. در ادامه، کاشی‌های ایوان غربی، در هشتی ورودی مسجد، سقف بالای سنگاب، طاق‌های دالان سمت راست هشتی مسجد و کاشی‌های مدرسه سلیمانیه، به همت اساتید فن کاشی‌سازی مرمت و تکمیل گردید (سجادی، ۱۳۸۷: ۱۰۷، ۱۰۸). قسمتی از کاشی‌های فروریخته بدنه‌های مارپیچ مسجد نصب و میخکوب شد و در کاشی‌های آن تعمیرات لازم به عمل آمد. بام‌های مسجد که از مدت‌ها پیش مرمت نشده بود آجرفرش و کامل شد (سالنامه معارف، ۱۳۱۴-۱۳۱۳: ۹۵-۹۴؛ روزنامه/خگر، ش ۱۷). مریت هاکس که در ۱۳۱۱ش/۱۹۳۲م به اصفهان مسافرت کرد، شاهد این تعمیرات بوده و در این مورد می‌نویسد: «... میله‌ها و قلاب‌های ضخیم آهنی، مناره‌ها را در جای خود ثابت نگه می‌دارد و تا صدها سال این بنای زیبا را حفظ می‌کند. کارگران مشغول نصب کاشی‌های افتاده بودند و سعی داشتند تا حد امکان از همان کاشی‌های کهنه استفاده کنند ولی بیشتر از نمونه‌های بسیار خوبی که از روی کاشی‌های اصل ساخته می‌شد استفاده می‌کنند (هاکس، ۱۳۶۸: ۵۲).

در ادامه تعمیرات مسجد، مناره‌های مسجد شاه در سال ۱۳۱۵ش/۱۹۳۶م مرمت شد (روزنامه/خگر، ش ۱۱۶۱) و مرمت بخش اعظم سر در مسجد که شامل کاشیکاری معرق و قطاربندی ورودی سر در مسجد بود سرانجام، در دی ماه ۱۳۱۶ش/۱۹۳۷م، با همکاری غفار کاشی‌تراش و سید میرزای بنا پایان یافت (روزنامه/خگر، ش ۱۳۰۱). در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م برای استحکام بیشتر گنبد، کمربندی آهنی، به طول ۹۰ متر، در اطراف گنبد نصب گردید. برای تعمیر کاشی‌های روی سطح گنبد نیز قالب‌های ویژه‌ای برای طراحی و تهیه کاشی‌های گنبد

به عرض ۱۰ سانتی متر، و در طبقه دوم شکاف‌هایی به عرض ۲۰ سانتی متر ایجاد شده بود. وجود این دو ترک گسترده موقعیت بسیار خطرناکی برای زیر گنبد مسجد ایجاد کرده بود. با آمدن گذار به اصفهان دستور داده شد منبع و متعلقات آن خراب شود و چهار جرز عظیم در قسمت شمالی تکیه‌گاه دیوار شکسته ساختمان گردد. استاد معارفی موفق گردید دو قطعه پنجره مشبک سنگی متعلق به مقبره شاهزادگان دوره شاه صفی را در دالان مسجد و در مقابل ورودی سابق آبریزگاه تعبیه نماید (مجله /رمغان، ش ۵ / ۳۲۴؛ سالنامه /داره معارف، ۱۳۱۴-۱۳۱۳: ۹۵؛ سجادی، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

مشکل دیگر مسجد، ایجاد حمامی در حوالی مسجد شیخ لطف‌الله بود که دود آن، کاشی‌های گنبد و به ویژه زمینه کرمی گنبد را ضایع می‌ساخت و منابع آب آن به پایه‌ها و استحکامات مسجد لطمه وارد می‌ساخت. گذار در مسافرتی که به اصفهان کرد این مطلب را در تاریخ ۱۳۱۵/۱۱/۱۷ ش به پایتخت گزارش کرد و براساس قانون حفظ آثار ملی و ابنیه تاریخی خواستار انتقال حمام به مکان دیگری شد (ساکما، ۱۳۱۰-۲۹۱۰؛ روزنامه /خگر، ش ۱۳۲۲). کاشیکاری پوشش خارجی سقف گنبد نیز به مرور ایام، بر اثر باران و برف و یخبندان متلاشی شده بود و حتی از بعضی نقاط آن آب باران به درون ساختمان نفوذ می‌کرد. برای رفع این مشکلات از اوایل ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م در اطراف گنبد چوب بست نصب شد (روزنامه /خگر، ش ۹۸۳) و در ۱۹ شهریور ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م، از محل عواید حق‌النظاره اوقاف کار تعمیر قطعی گنبد شروع شد. قالب گنبد در زیر خود آن، به همت استادان فن ساخته شد و، به تدریج، در طول سال ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م ترک‌های گنبد آماده و نصب گردید و در اواخر خرداد ۱۳۱۵ش/۱۹۳۶م چوب‌بست گنبد برداشته شد.

چیزی که بیشتر به اهمیت تعمیر گنبد افزود دقتی

به کمک استاد کاشیکار عبدالغفار مصدق‌زاده تهیه شد. این کاشی‌ها پس از طراحی به صورت ترک ترک بر روی گنبد نصب گردیدند (روزنامه /خگر، ش ۱۸۹۱، ۱۶۹۰؛ سجادی، ۱۳۷۸: ۱۰۸). در طول مدت این تعمیرات استاد حسین معارفی، معمار وزارت معارف عمومی اصفهان، تلاش بسیاری انجام داد. استاد معارفی در جلسه‌ای که با حضور استادکاران و معماران قدیمی اصفهان برای بررسی تعمیرات مسجد تشکیل شده بود نظراتی بسیار کارشناسانه ارائه کرد. در نتیجه آندره گذار وی را مسئول اصلی تعمیرات مسجد کرد. معارفی آنچنان برای انجام تعمیرات مسجد از خود مایه می‌گذاشت که حتی در اقدامی تحسین برانگیز هنگامی که دید به واسطه کمبود بودجه و تأخیر در پرداخت آن، برنامه تعمیرات مسجد دچار تعطیلی می‌شود با فروش خانه مسکونی‌اش و بدون علنی کردن آن، هزینه‌های لازم را تأمین نمود (سجادی، ۱۳۸۷: ۱۰۶، ۱۰۷؛ گذار، ۱۳۶۸: ۲۹۵).

۸. مسجد شیخ لطف الله

با گذر زمان بسیاری از کاشی‌ها و کتیبه‌های مسجد شیخ لطف‌الله که از گنبد آن به عنوان کاسه چینی یاد می‌کردند فروریخت. کتیبه کمربندی دور گنبد کاملاً فرو ریخته بود و مقرنس‌های سردر ورودی آسیب‌های جدی برداشته بود. تصاویری که از مسجد قبل از شروع تعمیرات گرفته شده است به خوبی آسیب‌های جدی وارد شده به آن را نشان می‌دهد در ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م، زیرزمین مسجد نیز دچار شکستگی بزرگی شد (روزنامه /خگر، ش ۳۹۶).

در آغاز کار تعمیرات تصمیم گرفتند منبع آبی را که به دستور یکی از ائمه جماعات و برای تطهیر در نزدیکی گنبد ساخته بودند خراب سازند. رطوبت این منبع باعث شده بود که شکست عظیمی در طرف شمالی دیوار گنبد پدید آید به طوری که در طاق طبقه دوم شکاف‌هایی

پس از بازدید از میدان نقش‌جهان و مشاهده اوضاع بد آنجا دستور داد تا ضمن نقشه‌برداری از میدان، برنامه تعمیرات و هزینه انجام آن را مشخص نماید. پس از آن نقشه و صورت مخارج میدان در قالب گزارشی به تهران ارسال گردید تا در مورد آن تصمیم‌گیری شود (روزنامه /خگر، ش ۶۵۷). در حدود یک سال طول کشید تا وزارت داخله مهندس خود، مسیو فریش، را برای نقشه‌کشی مجدد و شروع تعمیرات به اصفهان اعزام کند. با آمدن او کار تهیه نقشه میدان و نصب علائم، برای آغاز انجام تعمیرات آغاز شد (روزنامه /خگر، ش ۷۹۶).

۱۰. ایجاد حوض میدان نقش جهان

بر اساس نقشه تهیه شده قرار شد حوضی به ابعاد ۳۰ متر در ۸۰ متر به عمق ۱ متر و ۲۰ سانتی‌متر در وسط میدان احداث گردد پس از به مناقصه گذاشتن این طرح، نهایتاً اقدام به خاک‌برداری وسط میدان جهت ایجاد حوض گردید (روزنامه /خگر، ش ۸۲۰؛ ۸۲۵). جهت تأمین دائم آب حوض میدان در همان سال اقدام به حفر چاه و تهیه یک کارخانه چراغ برق کوچک جهت آب‌کشی از چاه در ایام تابستان نمودند (روزنامه /خگر، ش ۸۲۱). مسیو شونمان برنده مناقصه خرید موتور دیزل آب‌کشی میدان شد و قرار شد این موتور از کشور آلمان خریداری شود (روزنامه /خگر، ش ۹۰۰). با نصب موتور خریداری شده فواره‌ای چدنی نیز در استخر مزبور نصب شد (روزنامه /خگر، ش ۹۷۸). از همین موتور برق در ۱۳۱۵ ش/۱۹۳۶م با انجام سیم‌کشی و نصب تیر و چراغ برق، روشنایی میدان در شب نیز تأمین شد (روزنامه /خگر، ش ۱۱۸۲، ۱۱۹۵). برای زیبایی بیشتر میدان فضای اطراف استخر باغچه‌بندی، گل‌کاری، خیابان‌بندی و سنگ فرش شد (روزنامه /خگر، ش ۹۳۱، ش ۹۴۵).

بود که در تعمیر قسمت فوقانی به عمل آمد به طوری که پس از اتمام تعمیرات بین قسمت جدید و قدیم آن فرقی وجود نداشت. در این مرحله، کاشی‌های طاق‌های زیر دالان، شبستان زیر گنبد، رویه گنبد و گردنی آن مرمت شدند. در جریان مرمت با مشخص شدن محل کاشی‌هایی که در زمان ظل‌السلطان از جلو خان مسجد و سردر آن پیاده شده و در سرداب مسجد بود، در تزیین ازاره گنبد به خوبی استفاده گردید (سجادی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). همچنین رضا شاه، در جریان بازدید از مسجد، دستور داد تا سطح کف مسجد در زیر گنبد نیز با کاشی مفروش شود (روزنامه /خگر، ش ۱۳۲۰). هزینه تعمیرات مسجد در این دو سال ۴۱۴۶۰ ریال بود و استادان چیره‌دست که در مرمت آن دست داشتند استاد غفار کاشی‌تراش و استاد نصراله نقاش و گچ‌بر بودند (سالنامه معارف، ۱۳۱۴-۱۳۱۳: ۹۶؛ روزنامه /خگر، ش ۱۰۷۰).

۹. میدان نقش جهان

میدان نقش جهان دربردارنده مهم‌ترین آثار تاریخی دوره صفویه است. در این دوره این میدان نیز شبیه سایر آثار تاریخی میدان وضعیت مناسبی نداشت. حجره‌ها و دکان‌های اطراف میدان فرسوده و تخریب شده بودند تعرضات صورت گرفته به فضای اصلی میدان موجب لطمه وارد شدن به طرح اصلی و نقشه تاریخی شده بود. در سال ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸م تغییراتی در میدان داده شد. یکی از این تغییرات برداشتن نهر سنگی اطراف میدان به دستور مشارالدوله شاهنده بود. پس از این اقدام اشتباه، نهر را با خاک پوشانیدند و سنگ‌های آن را که ارزش آنها بیش از صد هزار تومان ارزیابی شده بود، به جایی دیگر، انتقال دادند (جابری، ۱۳۷۸: ۱۴۸؛ روزنامه /خگر، ش ۷۸۹). در سال ۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۱م جلالی، حکمران اصفهان،

ساماندهی میدان نقش جهان

همراه اقداماتی که برای ایجاد استخر میدان صورت گرفت، امور نقشه‌برداری و رسیدگی به وضعیت حجره‌های اطراف میدان نیز در حال انجام بود. با آنکه شاه عباس اول خود حجره‌ها و دکان‌های اطراف میدان را وقف کرده بود باز هم در دوره قاجار دکان‌ها و حجره‌های اطراف میدان وقف مدرسه صامیه شد. برای رفع این مشکل و امکان ورود بلدیه به این موضوع، جلساتی با حضور حکمران اصفهان، اداره معارف، بلدیه، متولی و ناظر مدرسه تشکیل شد و با موافقت اداره معارف و متولی مدرسه، دکان‌ها و حجره‌ها میدان در ازای مبلغ ۲۵۰ تومان در ماه، به اجاره نود ساله اداره بلدیه درآمد. بر اساس قرارداد منعقدشده مقرر شد خود بلدیه و یا افراد دیگری که بلدیه با آنها قرارداد می‌بندد به مرمت و ساخت حجره‌های اطراف میدان اقدام کنند (روزنامه /خگر، ش ۸۹۸). در همین راستا، چنانکه ذکر شد، در طول مدتی که از احداث اولیه میدان می‌گذشت، به سبب، به واسطه ساخت و سازی‌های بی‌رویه‌ای که در آن انجام شده بود علاوه بر آسیب‌های وارد آمده به نمای ظاهری، به حریم میدان نیز تجاوزاتی صورت گرفته بود. برای مقابله با این دخل و تصرفات کمیسیونی سه نفره از اعضای انجمن بلدی با حضور حکمران و رئیس اداره معارف اصفهان تشکیل گردید. در این کمیسیون قرار شد پس از بررسی پرونده‌ها و مشاهدات میدانی، بر اساس نقشه تهیه شده از میدان، با متجاوزان به حریم میدان برخورد گردد (روزنامه /خگر، ش ۹۰۳). بر اساس نقشه تهیه شده قرار شد که تعدادی از ادارات دولتی، مانند اداره بلدیه و نظمی، در میدان متمرکز شوند و مابقی نیز توسط اداره بلدیه به اشخاص اجاره داده شود (روزنامه /خگر، ش ۹۲۰). در ۱۳۱۳ ش / ۱۹۳۴م وزارت داخله تصویب کرد که بانک‌های ملی و پهلوی نیز در ضلع شمالی میدان، در دو طرف سردر قیصریه، احداث

شوند (روزنامه /خگر، ش ۹۴۹). در سال ۱۳۱۴ ش / ۱۹۳۵م بانک ملی از دروازه دولت به محل جدید خود در میدان منتقل شد (روزنامه /خگر، ش ۱۰۸۸). هم‌زمان مرمت و ساختمان حجره‌های اطراف میدان نیز ادامه داشت. با تمام شدن هر بخش از این دکان‌ها از طرف شهرداری آگهی مزایده منتشر می‌گردید.

در سال ۱۳۱۹ش / ۱۹۴۰م برای افزودن بر زیبایی میدان و گسترش هنرهای مستظرفه و حمایت از هنرمندان شهر، شهرداری تصمیم گرفت با دعوت از هنرمندان، تعدادی از مغازه‌ها و غرفه‌های اطراف میدان را به آنان واگذار کند (روزنامه /خگر، ش ۱۵۹۵؛ روزنامه باختر، ش ۵۳۸). از دیگر اقداماتی که در این دوره برای مرمت و زیباتر شدن میدان نقش جهان صورت گرفت مرمت سردر قیصریه و کاشیکاری نمودن حجره‌های اطراف میدان بود (روزنامه /خگر، ش ۱۱۵۸، ۱۱۹۹، ۱۱۲۸).

در این سال‌ها تعدادی از محققان و باستان‌شناسان غربی به اصفهان سفر کردند و تحقیقاتی در بناها و آثار تاریخی شهر انجام دادند (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰، ۱/ ۷-۴؛ روزنامه /خگر، ش ۱۲۸؛ مظاهری، ۱۳۷۹: ۲۱۵-۲۹۴). والتر هینتس آلمانی یکی از این محققان بود که در سال ۱۳۱۷ش / ۱۹۳۸م به دیدار آثار تاریخی اصفهان چون میدان نقش جهان و مساجد آن آمده بود. وی وضعیت این آثار را خوب توصیف کرد. او که در تعدادی از شهرهای ایران برای گرفتن عکس از بناهای تاریخی با مشکل مواجه شده بود، در مورد اصفهان نوشت «چون بناهای تاریخی اصفهان اغلب چنان خوب نگه‌داری شده‌اند که به هیچ وجه نمی‌توانند آبروی کشور را ببرد. از همین روی از این آثار می‌توان بدون مانع عکس گرفت» (هینتس، ۱۳۹۲: ۱۲۴). این توصیف از وضعیت آثار تاریخی شهر اصفهان از سوی سیاح آلمانی در اواخر دوره پهلوی اول، تفاوت بسیار با توصیفات

توجهی صورت نگرفت. اما در یک نگاه کلی اقداماتی که در این دوره برای حفظ تاریخی شهر اصفهان صورت گرفت بسیاری از آثار تاریخی منحصر به فرد شهر را از خطر ویرانی نجات بخشید.

جهانگردانی دارد که در دوره قاجار به شهر اصفهان آمده و آثار تاریخی آن را در وضع اسفناکی وصف بودند و نشان از اقداماتی دارد که در این مدت برای حفظ و مرمت آثار تاریخی شهر صورت پذیرفته بود.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی و مقایسه وضعیت آثار تاریخی شهر اصفهان در اواخر دوره قاجار با دوره پهلوی اول مشخص می‌گردد که در دوره پهلوی اول اقدامات وسیعی برای حفظ و مرمت آثار تاریخی شهر انجام پذیرفت. البته مشکلات مالی مانعی بزرگ بر سر راه مرمت این آثار بود. با این وجود در این دوره پس از تصویب قوانین مربوطه و اعلام آیین‌نامه‌های آن در گام نخست اقداماتی برای شناسایی و ثبت آثار تاریخی شهر اصفهان انجام گرفت. در گام بعدی تشکیلاتی برای حفاظت و نظارت بر آثار تاریخی شهر تعیین شد. نهایتاً بعد از چند مرحله تغییر و جابه‌جایی این وظیفه به اداره باستان‌شناسی که زیرمجموعه وزارت معارف بود سپرده شد. در این دوره اداره معارف اصفهان با همکاری اداره اوقاف و بلدیة شاخص‌ترین آثار معماری را با استفاده از کارشناسان متخصص و همکاری استادکاران سنتی مرمت کردند.

برخی از آثاری که امکان نگهداری آنان در محل خود وجود نداشت به مکانی محفوظ‌تر انتقال یافتند. روشنگری و اطلاع‌رسانی ارباب‌جراید در رسیدگی به موقع به وضعیت آثار تاریخی در این دوره بسیار تأثیرگذار بود. بدین ترتیب، با همکاری اداره معارف و اوقاف و روشنگری مطبوعات، تعدادی از موقوفات تصرف شده باز پس گرفته شد و از عایدات آن در محل اصلی خود استفاده گردید.

البته برای حل مشکل پل‌های تاریخی شهر به سبب مشکلات مالی برای ایجاد پلی مدرن اقدامات شایان

منابع

۱. اسناد:

اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره‌های ۲۹۱۰۰۰۲۹۸۰، ۲۹۱۰۰۰۲۸۳، ۲۹۱۰۰۰۲۹۹۵۴۰۵، ۲۹۱۰۰۰۵۱۳، ۲۴۰۰۰۰۶۱۳۷، ۲۹۱۰۰۰۳۱۱۰، ۲۹۰۰۰۰۷۷۹۱، ۲۹۱۰۰۰۹۷۷، ۲۴۰۰۱۱۵۲۱.

اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۰۱ ش (۱۳۸۰). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۰ ج.

۲. کتاب

بروگشن، هینریش (۱۳۸۹). سفری به دربار صاحبقران (۱۸۶۱-۱۸۵۹). ترجمه محمدحسین کردیچه. تهران: اطلاعات.
پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
پهلوی، رضا (بی تا). سفرنامه خوزستان. تهران: مطبعه کل قشون.

جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۷۸). تاریخ اصفهان، به کوشش جمشید مظاهری. اصفهان: مشعل و شرکت بهی.
جکسن، ابراهام ویلیامز (۱۳۶۹). سفرنامه. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: خوارزمی.

دیولافوا، ژان (بی تا). سفرنامه کلد و شوش. ترجمه بهرام فره‌وشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۳). تاریخ اجتماعی ظل السلطان در عصر ظل السلطان از نگاه روزنامه فرهنگ اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

(۱۳۸۶). اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول گزیده روزنامه‌ها. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
رفیعی مهربادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

سجادی نائینی، سید مهدی (۱۳۸۷). معماران و مرمت‌گران سنتی اصفهان. به کوشش گیتی آذر مهر. اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

ش ۴۳۵، ۱۰ مهر، ۱۳۰۹؛ ش ۵۶۶، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۰؛
ش ۵۸۸، ۱۲ خرداد ۱۳۱۰؛ ش ۶۲۴، ۱۳ مرداد ۱۳۱۰؛
ش ۶۵۷، ۱۵ مهر ۱۳۱۰؛ ش ۶۰۰، ۹ آذر ۱۳۱۰؛ ش ۷۱۷،
۲۸ بهمن ۱۳۱۰؛ ش ۷۲۵، ۱۹ اسفند ۱۳۱۰؛ ش ۷۲۵، ۱۹ اسفند
۱۳۱۰؛ ش ۸۵۸، ۱۸ اسفند ۱۳۱۱؛ ش ۷۸۹، ۶ مهر ۱۳۱۱؛
ش ۹۷۸، ۱۱ مهر ۱۳۱۱؛ ش ۷۹۶، ۲۲ آبان ۱۳۱۱؛ ش ۹۰۰،
۶ آذر ۱۳۱۱؛ ش ۸۲۱، ۲۴ بهمن ۱۳۱۱؛ ش ۸۲۰، ۲۰ بهمن
۱۳۱۱؛ ش ۸۲۵، ۸ اسفند ۱۳۱۱؛ ش ۸۳۳، ۱۷ فروردین؛
ش ۸۴۵، ۱ خرداد ۱۳۱۲؛ ش ۸۸۶، ۲۴ مهر ۱۳۱۲؛ ش ۸۹۸،
۲۹ آبان ۱۳۱۲؛ ش ۸۹۵، ۱۸ آبان ۱۳۱۲؛ ش ۸۹۹، ۲
آذر ۱۳۱۲؛ ش ۹۰۳، ۱۶ آذر ۱۳۱۲؛ ش ۸۹۸، ۲۹ آبان ۱۳۱۲؛
ش ۹۰۳، ۱۶ آذر ۱۳۱۲؛ ش ۹۲۰، ۹ بهمن ۱۳۱۲؛ شماره
۹۳۱، ۲۹ اسفند ۱۳۱۲؛ ش ۹۴۵، ۳ خرداد ۱۳۱۳؛ ش ۹۴۹،
۲۳ خرداد ۱۳۱۳؛ ش ۹۴۶، ۷ خرداد ۱۳۱۳؛ ش ۹۶۱، ۴ مرداد
۱۳۱۳؛ ش ۹۹۰، ۲۴ آبان ۱۳۱۳؛ ش ۹۸۳، ۱ آبان ۱۳۱۳؛ ش
۱۰۰۲، ۱۳ دی ۱۳۱۳؛ ش ۱۰۲۵، ۲۷ اسفند ۱۳۱۳؛ ش
۹۷۸، ۱۱ مهر ۱۳۱۳؛ ش ۱۰۳۰، ۲۸ فروردین ۱۳۱۴؛ ش
۱۰۳۴، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۴؛ ش ۱۰۴۱، ۵ خرداد ۱۳۱۴؛
ش ۱۰۴۱، ۵ خرداد ۱۳۱۴؛ ش ۱۰۷۰، ۲۰ شهریور ۱۳۱۴؛
ش ۱۰۷۳، ۳۱ شهریور ۱۳۱۴؛ ش ۱۰۸۲، ۱ آبان؛ ش
۱۰۸۸، ۱۹ آبان ۱۳۱۴؛ ش ۱۱۵۶، ۲۵ تیر ۱۳۱۵؛ ش ۱۱۵۸،
۲۵ تیر ۱۳۱۵؛ ش ۱۱۶۵، ۲۶ مرداد ۱۳۱۵؛ ش ۱۱۶۱، ۱۲
مرداد ۱۳۱۵؛ ش ۱۱۶۷، ۲ شهریور ۱۳۱۵؛ ش ۱۱۸۲، ۲۲ مهر
۱۳۱۵؛ ش ۱۱۸۷، ۱۱ آبان ۱۳۱۵؛ ش ۱۱۹۰، ۲۱ آبان
۱۳۱۵؛ ش ۱۱۹۵، ۱۱ آذر ۱۳۱۵؛ ش ۱۱۹۹، ۲۶ آذر ۱۳۱۵؛
ش ۱۱۲۸، ۲۳ فروردین ۱۳۱۶؛ ش ۱۲۸۶، ۱۷ آبان ۱۳۱۶؛
ش ۱۳۰۱، ۱۳ دی ۱۳۱۶؛ ش ۱۳۲۰، ۲۰ اسفند ۱۳۱۶؛
ش ۱۳۲۲، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۷؛ ش ۱۵۹۵، ۲۹ دی ۱۳۱۹؛
ش ۱۶۴۴، ۵ خرداد ۱۳۲۰؛ ش ۱۵۶۰، ۲۵ شهریور ۱۳۲۰؛
ش ۱۸۹۱، ۵ مرداد ۱۳۲۰؛ ش ۱۶۹۰، ۱۹ مهر ۱۳۲۰؛ ش
۱۶۹۰، ۱۹ مهر ۱۳۲۰؛ ش ۷۲۵، ۱۹ اسفند.

ارژنگ، ش ۲۰، ۲۸ بهمن ۱۳۰۴.

ارمغان، ش ۵، ص ۳۳۳.

معارف، سالنامه، ۱۳۱۴-۱۳۱۳.

باختر، روزنامه، ش ۵۳۸؛ ۵۳۱-۵۳۲؛ ۵۶۳.

صبح امید، روزنامه، ش ۱۴، ۱۹ شهریور ۱۳۰۰.

شفقی، سیروس (۱۳۸۱). *جغرافیای اصفهان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

گدار، آندره و دیگران (۱۳۶۸). *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سرو قد، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۴ ج.

لوتی، پیر (۱۳۷۰). *سفرنامه به سوی اصفهان*. ترجمه بدرالدین کتابی، تهران: اقبال.

مظاهری، هوشنگ (۱۳۷۹). *آرامگاه خارجیان در اصفهان*. اصفهان: انتشارات غزل.

نوردن، هرمان (۱۳۵۶). *زیر آسمان ایران*. ترجمه حسین سمیعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نیکزاد امیرحسینی، کریم (۱۳۳۸). *فهرست و راهنمای ابنیه تاریخی اصفهان*. تهران: چاپ پروین.

هاکس، مریت (۱۳۶۸). *ایران افسانه و واقعیت*. ترجمه محمدحسین نظری نژاد، محمدتقی اکبری، احمد نمایی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

هنرفر، لطف اله (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. بی جا: کتابفروشی تقفی.

هینتس، والتر (۱۳۹۲). *سفرنامه*. ترجمه پرویز رجبی، تهران: انتشارات ایرانشناسی.

۳. روزنامه و مجله

آگاهی نامه، مجله (۱۳۵۶). اصفهان: مرکز اسناد و آمار اداره کل فرهنگ و هنر اصفهان.

اخگر، روزنامه، ش ۲۵، ۲۲ مهر ۱۳۰۰؛ ش ۲۵، ۲۲ مهر ۱۳۰۰؛
ش ۶۹، ۱۸ بهمن ۱۳۰۷؛ ش ۷۱، ۲۲ بهمن ۱۳۰۷؛
ش ۱۳۸، ۲۰ خرداد ۱۳۰۸؛ ش ۱۴۹، ۱۰ تیر ۱۳۰۸؛ ش
۱۵۷، ۲۳ تیر ۱۳۰۸؛ ش ۱۵۷، ۲۳ تیر ۱۳۰۸؛ ش ۱۷۳،
۲۰ مرداد ۱۳۰۸؛ ش ۱۷۴، ۲۱ مرداد ۱۳۰۸؛ ش ۱۸۰، ۱۹
مرداد ۱۳۰۸؛ ش ۲۰۲، ۲۴ شهریور ۱۳۰۸؛ ش ۱۹۹، ۲۵
شهریور ۱۳۰۸؛ ش ۲۲۶، ۶ آبان ۱۳۰۸؛ ش ۲۵۵، ۲۱ آذر
۱۳۰۸؛ ش ۳۴۳، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۹؛ ش ۳۸۲، ۱۸ تیر
۱۳۰۹؛ ش ۳۹۶، ۱۲ مرداد ۱۳۰۹؛ ش ۴۳۵، ۱۰ مهر ۱۳۰۹؛